



# شهيد حسين امير عبداللهيان

ناصر كاوه





«شهيد حسين امير عبداللهيان»

ناصر كاوه

سرشناسه : کاوه، ناصر، ۱۳۴۴

kaveh-nasser-۱۹۶۵

عنوان و نام پدیدآور : شهید حسین امیر عبداللہیان / ناصر کاوه.

مشخصات ظاہری : ۸۴ ص. عکس (رنگی).

۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

شابک:

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامہ.

موضوع : شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات

Martyrs - Iran - Survivors - Diaries : موضوع

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات

موضوع : Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ - Personal narratives

ردہ بندی کنگرہ :

ردہ بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

## «شهید حسین امیر عبداللہیان»

نویسنده : ناصر کاوه

گرافیک و طراح : علی کربلائی

مشاور طرح: مهدی کاوه

حروف نگار : نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمہ عاقلی

رسانہ و تبلیغات : لیلا عاقلی

نوبت چاپ اول : خرداد ۱۴۰۳

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

تلفن پخش : ۰۹۱۲۱۴۴۰۸۴۲





این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)

امام خمینی (ره)، شهدا از صدر اسلام تا تمامی شهدای نظام مقدس  
جمهوری اسلامی ایران و رئیس جمهور شهید، سیدابراهیم رئیسی و شهدای همراه

امام خامنه ای :

ما با شهدا معاصر بودیم و جهاد و ایثار و شهادت و گره‌گشایی‌ها  
و ایستادگی آنان در مقابل قدرتها را دیدیم اما نسل جوان، این  
موضوع را با وضوح و پداهتی که ما متوجه شدیم، نمی‌بیند،  
بنابراین هر یک از علما، روشنفکران، دانشگاهیان و صاحبان مناصب  
دولتی، باید به تناسب جایگاه خود نقش‌آفرینی کنند  
راه مقابله با جنگ شناختی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی جبهه  
دشمنان انقلاب اسلامی، استمرار راه شهدا و عمل به درس آنان  
یعنی مجاهدت، ایستادگی و مقاومت است.

عزیزان من، برادران خوب، خواهران خوب! بدانید، امروز هم پیام  
شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را و حزن را برطرف  
خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این  
پیام را نمی‌گیرند، نمی‌شنوند، وَاَلَا اِگر صدای شهیدان را بشنویم،  
خوف و حزن ما هم محو خواهد شد، به برکت صدای شهیدان...









## فهرست

پیشگفتار/ ۹

مقدمه/ ۱۶

زندگینامه شهید امیر عبداللهیان/ ۲۲

سوابق اجرایی شهید امیر عبداللهیان/ ۲۵

سوابق تدریس شهید امیر عبداللهیان/ ۲۶

مقالات شهید امیر عبداللهیان/ ۲۷

خاطراتی از شهید امیر عبداللهیان/ ۲۸

خاطراتی از زبان همسر شهید/ ۴۸

خاطراتی شیرین از زبان خاله شهید/ ۶۸

خاطراتی با شهید قاسم سلیمانی/ ۷۸



## پیشگفتار

«شهادت وزیر انقلابی و جهادی و زبان گویا و وزیر خارجه ی مقاومت و سفیر راستین مردم مظلوم فلسطین، خصوصا غزه مظلوم و سرانجام خادم الرضا(ع) دکتر حسین امیرعبداللهیان و رئیس جمهور محبوب و مردمی، آیت الله آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان ایشان در سالروز میلاد حضرت ثامن الحجج «علیه آلاف التحية و الثناء» اگر چه پاداش خدمات و تلاش های شبانه روزی ایشان نزد پروردگار متعال بود، ولی موجبات تأثر و تألم مردم ایران و آزادگان جهان که دل در گرو نظام مقدس جمهوری اسلامی دارند را فراهم آورد

این رئیس جمهور خدوم و خستگی ناپذیرو و اولین وزیر امور خارجه شهید نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که در تمام عرصه هایی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به خدمتگزاری مشغول بود، نمونه اتم و اکمل مدیران انقلابی و ولایی بود و در امور محوله از هیچ کوششی دریغ نورزید و با شهادت در راه خدمت رسانی به این مرز و بوم به درجه رفیع شهادت نائل آمد و مصداق آیه شریفه

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» گردید

«وزیر شهید»؛ آخرین باری که ترکیب این دو واژه را کنار هم شنیده بودیم برمی‌گردد به سال‌های دور، به روزهای جنگ و غربت ایران در مقابل تمام شرق و غرب آن زمان!

شهید تندگویان، چمران، قندی، کلانتری، عباسپور، نامجو و فکوری. آنها بودند که مقام شهادت را به منصب وزیر و وزارت گره زدند. بعد از آن روزها انگار گوش‌های مان ناآشنا شد با این ترکیب و شاید فکر می‌کردیم مقام و منصب وزارت را چه کار با شهادت؟! آن هم اگر وزیر امور خارجه باشی و مرد دیپلماسی!

اما شهید که باشی شهادت خودش به دنبالت می‌آید. کوچه به کوچه و شهر به شهر. برایش فرقی ندارد کت و شلوار پوشیده باشی یا لباس خاکی رزم! مرتب و اتوکشیده باشی یا ژولیده میدان، شهادت مشام تیزی دارد. عطر بهشتی آدم‌ها را خوب استشمام می‌کند! مثل همان عطری که سال‌هاست روی پیراهن شهید حسین امیرعبداللهیان نشسته بود. مردی که گره نخ‌ها و پوسیده وزارت به شهادت را در روزگاری که کمتر کسی فکر می‌کرد، محکم کرد

مثل یک مسلمان واقعی!

وزارت نه اسمش نه رسم و مسئولیتش ذره‌ای از خانواده دوستی و مردم‌داری آقای وزیر کم نکرد. او دلبسته صندلی گرم و نرم وزارتخانه و پله‌های ترقی نبود. اسم و رسمش را جای دیگری جست‌وجو می‌کرد؛ شاید در دایره محبوبان و شهدای خوبان خدا.

«بارها پیش‌آمده بود که برخی از دوستان شهید در جمع به ایشان گفته بودند که ما در شما استعداد و توانایی‌ای می‌بینیم که به مقام بالایی خواهید رسید. اما دکتر حسین امیرعبداللهیان می‌گفتند: من همیشه از خدا خواستم که زمانی به جایگاه و مقامی برسم که

آن مقام به اندازه عطسه بز برای من بی‌ارزش باشد. دقیقا هم همین‌طور بود. ایشا مقام و منصب و وزارتخانه را فرصتی برای حل بیشتر مشکلات مردم و خدمت به آنها می‌دانستند و هیچ‌وقت تغییر نکردند

همچنان تاکید داشتند از حال همه باخبر باشند. غیر ممکن بود که در مجلسی نشسته باشند و کودک ۴ یا ۵ ساله‌ای وارد مجلس شود و ایشان به احترام کودک از جا بلند نشود.»

مردی که در اولین روز شیفت خادمی‌اش شهید شد! هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد آن روز آقای امیرعبداللهیان به خانه برنگردد، اتفاقا قرار بود بیاید چمدانش را جمع کند و راهی مشهدالرضا(ع) شود. آن روز قرار بود بعد از ماه‌ها انتظار زائر و خادم امام رضا علیه‌السلام شود. غیر از اهالی خانه، صحن‌های حرم هم انتظارش را می‌کشیدند.

پدر از زمانی که شهید رئیسی تولیت آستان‌قدس بودند برای خادمی حرم اقدام کردند اما گفته بودند که اگر ما به عنوان خادم فقط در صحن‌ها بایستیم شاید بیشتر باعث ایجاد مزاحمت برای مردم باشیم. دلشان می‌خواست که میز خدمتی باشد و در زمینه تخصصی که دارند در سایه امام رضا(ع) به مردم خدمت کنند که این اتفاق هم رقم خورد و میزهای خدمت شکل گرفت. دی ماه سال گذشته بود که عنوان خادمی به پدرم تعلق گرفت اما به دلیل مشغله‌هایی که در این ایام به خاطر طوفان‌الاقصی داشتند

هیچ وقت فرصت نشد تا به مشهد بروند. در نهایت قرار بود روز میلاد امام رضا علیه السلام طی مراسمی ملبس شوند که شهید شدند.»

«کلا به ائمه علیهم السلام علاقه زیادی داشتند حتی برای همین عشق به ائمه در روزهایی که اکثر دیپلمات‌ها تب اروپا رفتن را داشتند، عراق را برای خدمت انتخاب کردند. باورشان این بود که به برکت ائمه، خدا به خدمتی که می‌کنند برکت می‌دهد و تاثیرگذار خواهند بود. درباره لباس خادمی‌شان هم به گفته آیت الله مروی انگار امام رضا علیه السلام خودشان می‌خواست به این عاشق دل‌داده‌شان نشان خادمی بدهد!»

خداحافظ وزیر امور خارجه کودکان غزه!

شهید امیر عبداللہیان در قرارداد نانوشته‌ای وزیر امور خارجه و صدای کودکان مظلومش بود. برای آقای وزیر هر تریبون بین‌المللی، فرصتی بود که به جهان و مردمش نهیب بزند و از نسل‌کشی در سرزمین زیتون برای شان بگوید.

تلاش شبانه‌روزی‌شان داشت و در این ایام پیش نمی‌آمد که زودتر از ساعت ۲ بامداد بخوابند، در صورتی که صبح زود بیدار می‌شدند. و هرچه در توان داشت برای زنده نگه داشتن مقاومت خصوصا زن و بچه‌های مظلوم غزه می‌گذاشت

همیشه می‌گفت : صهیونیست‌ها قدرت رویارویی با نیروهای مقاومت را ندارند و برای همین به زن و کودکان مظلوم حمله



می‌کنند. من باید صدای این فلسطینیان مظلوم در خارج از کشور باشم. مردم غزه نمی‌توانند صدای شان را به گوش جهان برسانند و من باید این کار را بکنم باید در سازمان ملل فریاد بزنم و با وزرای خارجه صحبت کنم.»

عاقبتی که باید برای مرد دیپلماسی و میدان رقم می‌خورد! همسر شهید می‌گوید انگار حسین می‌دانست که روزهای آخر را کنار ما می‌گذرانند و می‌خواهد به شهادت برسد «از وقتی که بچه‌ها کمی بزرگ‌تر شدند به پیشنهاد آقای امیرعبداللهیان در خانه‌مان رسم شد که برای هر کار و هر تصمیمی نظرسنجی کنیم و نظر جمع را اجرائی کنیم. اما از ۱۰ روز قبل از شهادت‌شان هر بار که قرار بود تصمیمی بگیریم، ایشان فقط نگاه می‌کردند می‌گفتند شما سه نفری نظر بدهید و به نتیجه برسید، خیال کنید من این‌جا نیستم! حالا که فکر می‌کنم انگار حرف آن روزهای شان بی‌دلیل نبود شاید می‌دانستند که رفتنی‌اند و مراعات دل همیشه نگران من و بچه‌ها را می‌کردند و چیزی نمی‌گفتند!»

عکس شهید حسین امیر عبداللهیان از پس قاب هنوز لبخند می‌زند، صدای حاج‌قاسم توی گوشم زنگ می‌خورد: «شرط شهید شدن، شهید بودن است.» من به وزیری فکر می‌کنم که پیش پای کودکان هم بلند می‌شد، مقام و منصب برایش فرصت خدمت بود و جان بر کف محور مقاومت! آقای وزیر شهادت گوارای وجودت وقتی این‌قدر خوب شهیدانه زندگی کردی!

روزگار  
همیشه

خسته آن پروانه لرزه لرزه همیشه

سید علی محمد  
۱۴۰۳/۰۳/۰۶

سبک زندگی اسلامی که بخش مهمی از آن را فضایل اخلاقی تشکیل می دهد، در عرصه‌ی چالش های سیاسی و رقابت های مشروع، اهمّیت بیشتر می یابد. در اینجا است که کیمیای تقوا و گذشت و انصاف و صداقت و مسؤلیّت پذیری و کار بی منت، قیمت اصلی خود را آشکار می سازد. **شهیدان** پرواز اردیبهشت یکی از خصوصیات شان، رعایت فضیلت های اخلاقی بود...

حضرت آیت الله خامنه‌ای - ۶/۰۳/۱۴۰۳





## مقدمه

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی شهادت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور اسلامی ایران و همراهان گرامی ایشان را در سانحه هوایی تسلیت گفتند. متن پیام تسلیت رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است: ... بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخ درگذشت شهادت گونه‌ی عالم مجاهد، رئیس‌جمهور مردمی و با کفایت و پرتلاش، خادم‌الرضا علیه السلام جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم. این حادثه‌ی ناگوار در اثنای یک تلاش خدمت‌رسانی اتفاق افتاد؛ همه‌ی مدت مسئولیت این انسان بزرگوار و فداکار چه در دوران کوتاه ریاست جمهوری و چه پیش از آن، یکسره به تلاش بی‌وقفه در خدمت به مردم و به کشور و به اسلام سپری شد. رئیسی عزیز خستگی نمی‌شناخت. در این حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی و مخلص و با ارزشی را از دست داد. برای او صلاح و رضایت مردم که حاکی از رضایت الهی است بر همه چیز ترجیح داشت، از این رو آزردهیایش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان، مانع تلاش شبانه‌روزیش برای پیشرفت و اصلاح امور نمی‌شد. در این حادثه‌ی سنگین شخصیت‌های برجسته‌ئی مانند حجة الاسلام آل هاشم امام جمعه‌ی محبوب و معتبر تبریز، جناب آقای امیر عبداللهیان وزیر خارجه‌ی مجاهد و فعال، جناب آقای مالک رحمتی استانداری انقلابی و متدین آذربایجان شرقی و گروه پروازی و دیگر همراهان نیز به رحمت الهی پیوستند. اینجانب پنج روز عزای عمومی اعلام می‌کنم و

جناب آقای مخبر طبق اصل ۱۳۱ قانون اساسی در مقام مدیریت قوهی مجریه قرار میگیرد و موظف است به همراهی رؤسای قوای مقننه و قضائیه ترتیبی دهند که ظرف حداکثر پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در پایان تسلیت صمیمی خود را به مادر گرامی جناب آقای رئیسی و همسر فاضل و بزرگوار ایشان و دیگر بازماندگان رئیس جمهور و خانواده‌های محترم همراهان بویژه والد ماجد جناب آقای آل هاشم معروض میدارم و صبر و تسلاهی آنان و رحمت الهی برای درگذشتگان را مسألت میکنم. سیدعلی خامنه‌ای\_۱۴۰۳/۲/۳۱

شهید سید ابراهیم رئیسی آینده‌فروشی نکرد. کشور را چوب حراج نزد. سه سال دوران ریاست جمهوری‌ش، جمعه‌هایش را هم تعطیل نبود. اداره و پیشرفت کشور را معطل‌اراده خارجی نکرد. دولت را به میان مردم برد و گوش شنوای مردم شد. بدنه‌مدیریتی کشور را جوان کرد. علی‌رغم قوت و ضعف‌ها، ریل‌مدیریت کشور را از غرب‌گرایی و ندیدن مردم و درجا زدن و کم‌تحركی، به سوی حرکت پرشتاب تغییر داد... این نکته رهبری در پیام تسلیت شهادت سید محرومان، درس بزرگی برای همگان است: آزردهی‌ها از ناسپاسی و طعن‌برخی بدخواهان، مانع تلاش شبانه‌روزی‌ش برای پیشرفت و اصلاح امور می‌شد. این باید درسی باشد برای من و شما، که هدف روشن و معین و الهی باشد و با تمسخر و طعنه و نیش و کنایه‌ها تغییر نکند. مراسم تشییع رئیس‌جمهور شهید و همراهانش نشان‌دهنده محبوبیت آن شهید و مورد لطف خدا بودن شهید رئیسی و هیئت همراه بود و به قول حجت‌الاسلام قرائتی: اگر آقای رئیسی را می‌دیدم به او می‌گفتم که قرآن به وعده‌اش وفا کرد. قرآن می‌گوید کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند محبوب می‌شوند

این حرکت تشییع میلیونی مردم در شهرهای مختلف ایران نشان‌دهندهٔ محبوبیت شما و مورد لطف خدا بودن شما است. برخی مخالفین شما به شما نیش و کنایه زدند که خداوند جبران کرد، خدا جبار است و جبران می‌کند، این محبوبیت امروز، جبران آن نیش و کنایه است

بدون شک شهید امیرعبداللہیان در مقایسه با وزرای خارجه گذشته نزدیکی بیشتری به بازوان محور مقاومت و شاخه برون مرزی سپاه داشت. تلاش‌های شبانه روزی او بعد از طوفان الاقصی برای مقابله با کشته شدن غیرنظامیان و عدم گسترش تنش به کل منطقه غیر قابل انکار است. وی در مقام یک دیپلمات با نگاه خاص به مسائل منطقه همواره کوشید این نکته را در محافل بین‌المللی به اثبات برساند که حضور فرامنطقه‌ای ما در غرب آسیا خود عامل تنش در منطقه است. تلاش‌های شبانه روزی وی برای کاهش تنش در منطقه و رساندن صدای اعتراض مردم مظلوم غزه به جامعه جهانی و آگاه نمودن مردم جهان از پشتیبانی آمریکایی‌ها از جنایات صهیونیست‌ها بر همه مبرهن است. او در اوج تنش‌ها بین حماس و اسرائیل به قطر سفر می‌کرد و با اسماعیل هنیه به گفت‌وگو می‌پرداخت..

باحول وقوه الهی، با توسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا و با نام مقدس و مبارک «امام زمان (عج)» و با «رمز یا زهرا(س)» نوشتن «کتاب شهید حسین امیرعبداللہیان» را شروع می‌کنیم، تا انشاءالله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد... ارادتمند: ناصرکاوه



شهید حسن امیر عبدالباقیان

خواهد آمد

سحق سندان

با سپاهی از











«زندگینامه شهید امیرعبداللهیان در یک نگاه»

حسین امیرعبداللهیان در اردیبهشت ۱۳۴۳ در دامغان  
واقع در استان سمنان متولد شده است

حسین در ۶-۷ سالگی پدر خود را از دست داد و مسئولیت  
اداره زندگی آنها بر دوش مادر و برادر بزرگترش افتاد.

شهید حسین امیرعبداللهیان در سال ۱۳۷۳ ازدواج کرد و

دارای یک دختر و پسر است. امیرعبداللهیان دانش‌آموخته

کارشناسی روابط دیپلماتیک از دانشکده وزارت امور

خارج، کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۵ و

دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران بود. کارشناس و

معاون سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد، معاون

اداره اول سیاسی خلیج فارس وزارت امور خارجه، معاون

دستیار ویژه وزیر امور خارجه در امور عراق، عضو

کمیته سیاسی-امنیتی مذاکرات هسته‌ای ایران با EU<sup>۳</sup>

(سه کشور اروپایی) معاون اداره کل خلیج فارس وزارت



امور خارجه، عضو کمیته مذاکرات ایران، عراق و آمریکا در موضوع عراق، رئیس ستاد ویژه عراق در وزارت امور خارجه، سفیر جمهوری اسلامی ایران در بحرین، مدیر کل خلیج فارس و خاورمیانه وزارت امور خارجه، معاون عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه و دستیار ویژه رئیس مجلس و مدیرکل امور بین‌الملل مجلس شورای اسلامی از جمله مسوولیت‌های امیر عبداللہیان از سال ۱۳۷۶ تا ۱۴۰۰ بوده است. حسین امیرعبداللہیان که متاهل و دارای دو فرزند بود از سوم شهریور ۱۴۰۰ فعالیت خود به عنوان وزیر امور خارجه را در دستگاه دیپلماسی کشور آغاز کرد و تا ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ مسوولیت در این زمینه را برعهده داشت. کتاب‌های «استراتژی مهار دوگانه آمریکا»، «دموکراسی متعارض ایالات متحده آمریکا در عراق جدید»، «ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا» و «صبح شام» از جمله کتاب‌های تالیفی حسین امیر عبداللہیان بوده است...



امیرعبداللہ ایمان در ۲۰ مرداد ۱۴۰۰ به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت امور خارجه در دولت سیزدهم توسط آقای رئیسی به مجلس شورای اسلامی معرفی شد و در ۳ شهریور ۱۴۰۰ با کسب ۲۷۰ رأی موافق، ۶ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفت و به عنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مشغول به کار شد. عصر روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ماه بالگرد حامل رئیس جمهور که برای افتتاح «سد مرزی «قیز قلعه‌سی» به آذربایجان شرقی سفر کرده بود، در مسیر بازگشت در «جنگل دیزمار» در محدوده عمومی بین ورزقان و جلفا استان آذربایجان شرقی دچار سانحه شد. سید ابراهیم ریسی رئیس جمهور، آل هاشم امام جمعه تبریز، حسین امیرعبداللہ ایمان وزیر امور خارجه، مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی از جمله سرنشینان این بالگرد بودند که با دیگر سرنشینان این حادثه به شهادت رسیدند



«سوابق اجرایی حسین امیرعبداللہیان»

کارشناس و معاون سفارت ایران در بغداد  
معاون اداره اول سیاسی خلیج فارس وزارت امور خارجه  
معاون دستیار ویژه وزیر امور خارجه در امورعراق  
عضو کمیته سیاسی، امنیتی مذاکرات هسته‌ای با EU۳  
معاون اداره کل خلیج فارس وزارت امور خارجه  
عضو کمیته مذاکرات ایران، عراق و آمریکا در موضوع  
عراق و رئیس ستاد ویژه عراق در وزارت امور خارجه  
سفیر جمهوری اسلامی ایران در بحرین  
مدیر کل خلیج فارس و خاورمیانه وزارت امور خارجه  
معاون عربی و آفریقای وزارت امور خارجه  
دستیار ویژه رئیس مجلس و مدیرکل امور بین‌الملل  
مجلس شورای اسلامی  
وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از شهریور  
سال ۱۴۰۰ تا لحظه شهادتش





### «سوابق تدریس حسین امیرعبداللہیان»

استاد راهنما و مشاور رساله‌های مقاطع دکتری و ارشد  
در دانشگاه تهران،

دانشگاه علامه طباطبائی،

دانشگاه دفاع ملی

و دانشکده روابط بین‌الملل

مدرس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

مدرس دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

استاد مدعو دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

استاد مدعو دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

کتاب های حسین امیرعبداللہیان

کتاب «استراتژی مهار دوگانه آمریکا»

کتاب «دموکراسی متعارض ایالات متحده آمریکا در عراق

جدید»

کتاب «ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا»

کتاب «صبح شام» - انتشارات سوره مهر - چاپ ششم



### «مقالات حسين اميرعبداللهيان»

«چرايي تحولات سوريه و پيامدهاي آن»

فصلنامه کنفرانس بين المللي

دانشگاه علامه طباطبائي تهران - پاييز ۱۳۹۵

«تحولات خاورميانه و مطالعه موردی بحرين»

فصلنامه مطالعات راهبردی - تابستان ۱۳۹۰

«بحران سوريه و امنيت ناپايدار منطقه‌اي»

فصلنامه مطالعات راهبردی - تابستان ۱۳۹۲

«موافقتنامه امنيتی بغداد - واشينگتن

رفتارشناسی آمریکا در عراق جديد»

فصلنامه سياست خارجي -

مرکز مطالعات سياسي و بين المللي وزارت خارجه

«استراتژی مهار دوگانه آمریکا در طرح داماتو»

مجله دانشکده حقوق و علوم سياسي دانشگاه تهران

درج مقالات علمي در مجله «سياست خارجي»

چاپ وزارت امور خارجه



### «سلامت نفس شهید امیرعبدالهیان»

سابقه من در آشنایی با آقای امیرعبداللهیان طولانی است و از گفته‌ها و شنیده‌ها نیست؛ هم قبل از اینکه ایشان در دولت گذشته از وزارت خارجه بیرون بیاید، با او ارتباط داشتم؛ و هم بعد از آن که ایشان به مجلس آمدند و مسئولیت معاونت بین‌المللی را بر عهده داشتند ما محشور بودیم به ویژه این که وقتی در کمیسیون امنیت ملی بودم با ایشان ارتباطات زیادی داشتم. دوران نایب رئیسی هم با ایشان ارتباط و تعامل داشتم. انصافاً سلامت نفس شهید امیرعبدالهیان زبانزد و اخلاق خوش او جذاب بود؛ حتی در بسیاری از کشورها وقتی امیرعبدالهیان اقدامات دیپلماتیک‌شان را انجام می‌دادند، اخلاق خوش ایشان در نوع تعامل و رفتار دیپلمات‌های مقابل نیز تاثیر گذار بود و در عین اینکه اهل تعامل، محبت، عواطف و خوش خلقی بودند با دیپلمات‌های اجنبی که با ایران تقابل دارند، کاملاً برخورد دیپلماتیک





خشک انجام میدادند به این معنا که مسئول دیپلماسی جمهوری اسلامی گرنشی در مقابل آنها نداشته باشد؛ ایشان در مقابل دیپلمات‌های بیگانه زبان بدن را در تمام حالات رعایت می‌کرد تا خدای ناکرده موضع جمهوری اسلامی در مقابل طرف مذاکره موضع گرنش یا ضعف نباشد. هر وقت که به کمیسیون امنیت ملی و کمیسیون‌های مجلس دیگر می‌آمد و با نمایندگان برخورد می‌کرد ممکن بود که پس از حضور در جلسه‌ای یک ساعته، بیشتر از مدت جلسه می‌ایستاد و با نمایندگان خوش و بش و گفت‌وگو می‌کرد. شهید امیرعبداله‌یان آدمی نبود که اهل تعامل نباشد و نیز انصافاً گمنام بود و مظلوم واقع شد؛ بسیار زحمت کش بود ولی در گذشته با ایشان برخورد خوبی نشد اما آیت‌الله رئیسی شخصیت ایشان را با به‌کارگیری در وزارت خارجه به عنوان وزیر بازاری کرد و ایشان هم در این عرصه خوش درخشید. راوی: مجتبی ذوالنوری نایب رئیس مجلس



سید حسین امیر عبدالمؤمنان

برسان سلام ما را، سلام بر حسین (ع)

## مثل یک مسلمان واقعی!

وزارت نه اسمش نه رسم و مسئولیتش ذره‌ای  
از خانواده دوستی و مردم‌داری آقای وزیر کم  
نکرد. او دلبسته صندلی گرم و نرم وزارتخانه و  
پله‌های ترقی نبود. اسم و رسمش را جای دیگری  
جست‌وجو می‌کرد؛ شاید در دایره محبوبان خدا.





«شهید عبداللهیان وزیر امور خارجه مقاومت بود»

شهید امیرعبداللهیان فردی مسلط و آگاه به حوزه‌های مختلف دیپلماسی و دارای توانمندی‌های ویژه و تجربیات ارزنده‌ای بود که در تلفیق با اعتقاد و ایمان انقلابی زمینه ساز دستاوردهای کم‌نظیر کشور در پیشبرد اهداف ترسیم شده در حوزه سیاست خارجی شد. ایشان عاشق مقاومت و فلسطین بود. وی میدان و دیپلماسی را به درستی و با تدبیر پیوند عمیق داد. مواضع مقتدرانه اش در عرصه‌های بین‌المللی نسبت به مقاومت و در حمایت از فلسطین محکم و بی‌نظیر بود. بدون شک شهید امیرعبداللهیان زبان گویای مردم فلسطین خصوصا زنان و کودکان مظلوم فلسطینی بود. کودکان فلسطینی یک پدر را از دست دادند. شهید امیرعبداللهیان تنها وزیر امور خارجه ایران اسلامی نبود بلکه وزیر امور خارجه مقاومت بود... شوشتی، دستیار ویژه وزیر و مدیرکل غرب آسیا و شمال آفریقای وزارت امور خارجه





### «شهید امیرعبداللهیان و مقاومت در منطقه»

بدون شک شهید امیرعبداللهیان در مقایسه با وزرای خارجه گذشته نزدیکی بیشتری به بازوان محور مقاومت و شاخه برون مرزی سپاه داشت. تلاش‌های شبانه روزی او بعد از طوفان الاقصی برای مقابله باکشته شدن غیرنظامیان و عدم گسترش تنش به کل منطقه غیر قابل انکار است. امیرعبداللهیان در مقام یک دیپلمات با نگاه خاص به مسائل منطقه همواره کوشید این نکته را در محافل بین‌المللی به اثبات برساند که حضور فرامنطقه‌ای‌ها در غرب آسیا خود عامل تنش در منطقه است. تلاش‌هایش برای کاهش تنش در منطقه و رساندن صدای اعتراض مردم مظلوم غزه به جامعه جهانی و آگاه نمودن مردم جهان از پشتیبانی آمریکایی‌ها از جنایات صهیونیست‌ها بر همه مبرهن است. او در اوج تنش‌ها بین حماس و اسرائیل به قطر سفر می‌کرد و با اسماعیل هنیه در ارتباط با مسائل غزه به گفت‌وگو پرداخت..

# شهداء خدمت



اقتدار دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی



شهید حسین اعلمیان



### «اولویت آرمان فلسطین بود»

شهید امیرعبداللہیان با رویکرد متمایل شدن به شرق و تحکیم روابط و انعقاد قرارداد با چین و روسیه و کشورهای منطقه خواستار غلبه بر مشکلات پیچیده از طریق هماهنگی مثبت شد. در این میان شهید رئیسی نیز در واقع نماینده امام خامنه‌ای در اداره امور کشور بود و چهره‌ای قدرتمند، انقلابی و حکیمانه از ایران به نمایش گذاشت. امیرعبداللہیان نیز مسئول اجرای این دیدگاه در مجامع بین‌المللی و مذاکرات با کشورهای جهان در شرق و غرب بود و با شجاعت و سخت‌کوشی خود در این زمینه موفق شد. در شرایطی که بعد از توافق‌های ذلت‌بار برخی از کشورهای عربی و منطقه با رژیم صهیونیستی، آرمان فلسطین در حال فراموشی بود و آمریکا تلاش داشت فلسطین را صرفاً به یک قصه تاریخی تبدیل کند. ایران به موضع خود در حمایت از فلسطین ادامه داد و آرمان فلسطین را در اولویت قرار داد





### «وزیر محور مقاومت»

جایی که نیروهای اشغالگر صهیونیستی شنیع‌ترین جنایات را علیه غیرنظامیان و به ویژه کودکان و زنان در غزه انجام می‌دهند و همه زیرساخت‌های غزه را ویران کرده و بیمارستان‌ها را بمباران و خانه‌ها را نابود کرده و روزنامه‌نگاران را قتل عام می‌کنند. این نقش برجسته، بی‌نظیر و شجاعانه و عادلانه جمهوری اسلامی ایران توسط شهید امیرعبداللهیان ایفا شد و امیرعبداللهیان با حضور فعال و تأثیرگذار در مجامع بین‌المللی موجب شد تا موجی از واکنش‌ها ضد جنایت‌های رژیم اشغالگر در جهان به راه بیفتد. همین خستگی ناپذیری و شخصیت شجاع و مهارت بالای شهید امیر عبداللهیان موجب شده بود که بسیاری به او لقب وزیر محور مقاومت بدهند. ازدست دادن شهید امیرعبداللهیا خسارتی جبران ناپذیر نه تنها برای ایران بلکه برای آرمان فلسطین در وهله نخست و همه آزادگان جهان در وهله بعدی است...



«خاطرات توسلی از شهید امیرعبداللهیان»

شهید امیرعبداللهیان در تمام دوران خدمت خود در مسئولیت‌های مختلف به عنوان یک فرد مومن، انقلابی، اخلاق‌مدار و دل‌سپرده و گوش به فرمان ولی فقیه بود و این را تمامی همکاران وی و کسانی که از نزدیک وی را می‌شناختند شهادت می‌دهند. یکی از ویژگی‌های شخصیتی شهید امیرعبداللهیان حسن خلق و تواضع کم‌نظیر او بود، او به معنای واقعی کلمه خاکی بود، در زمانی که معاون امور بین‌الملل مجلس بود و همکاران خود را در مجلس می‌دید برای بدرقه آنها را تا محوطه مجلس همراهی می‌کرد و در احوالپرسی‌ها حتی حال فرزندان همکاران را نیز جویا می‌شد. شهادت می‌دهم شهید امیرعبداللهیان در زمینه تبعیت از فرامین ولی فقیه و فعالیت در عرصه جبهه مقاومت علیه مستکبران و صهیونیست‌ها جزو افراد پیشتاز بود. حسین شخصیتی ولایت‌مدار و بسیار علاقه‌مند به جبهه مقاومت بود...



### «اقتدار دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی»

امیرعبداللهیان رابطه‌ای بسیار صمیمی و نزدیک با سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان داشت و سیدحسن علاقه این شهید بزرگوار را به شکل عجیبی دوست داشت. هرجا در منطقه خطر و چالشی وجود داشت، امیرعبداللهیان به مانند یک مجاهد از خودگذشته خودش را به دل خطر می‌انداخت و در نهایت نیز مزد مجاهدت‌های خود را با شهادت دریافت کرد. امیر عبداللهیان در سفر به لبنان اصرار داشت که حتماً با خانواده شهدا دیدار کند. معمولاً هنگام زیارت مزار شهدای مقاومت در بیروت، با تعداد زیادی از آنان ملاقات می‌کرد. دیدار با خانواده شهیدان حاج عماد مغنیه و حاج مصطفی بدرالدین از دیدارهای تقریباً همیشگی ایشان بود. امیرعبداللهیان در واقع صدای رسای مردم فلسطین بود و اقتدار دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی که مرهون تلاش و زحمات او و همکارانش است...



«امیرعبداللهیان، ایران موشک نقطه زن دارد»

برای دفاع از ایران موشک نقطه زن داریم و از حفظ دانش و فناوری‌های هسته‌ای تحت هیچ شرایطی کوتاه نخواهیم آمد. خلاف دوران دفاع مقدس که حتی یک موشک برای پاسخ به صدام نداشتیم اکنون جمهوری اسلامی ایران؛ موشک نقطه زن در اختیار دارد. می‌خواستند ایران را از توسعه دانش و فناوری محروم کنند، اما ایران در حوزه‌های مختلف علم و فناوری جزو ۵ کشور نخست جهان است. ما در پی بمب هسته‌ای نیستیم، اما دانش هسته‌ای، دانش پیچیده‌ای است که تا کشوری مجهز به دانش فیزیک، ریاضی، شیمی و ابعاد مختلف علم و فناوری نشود، نمی‌تواند به دانش هسته‌ای دست پیدا کند و امروز کسی که دانش هسته‌ای دارد در اوج جایگاه علمی است. کشوری که از دانش هسته‌ای برخوردار است از همه دانش‌های فنی مهندسی و علم و فناوری برخوردار خواهد بود. سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم حیدرآباد



«روایتی از حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای»  
ما سرمایه‌هایی گران سنگ و شخصیت‌های والایی را از دست دادیم و همه متأثر و متأملم هستیم. از سالیان دور وصفِ روحیه انقلابی، تدین و اخلاص شهید امیر عبداللہیان را شنیده بودم و در مدت اخیر نیز که وی متصدی وزارت امور خارجه بود، در جلسات مشترک با نگاه وسیع و رویکرد خردمندانه و عاقلانه او در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی بیشتر آشنا شدم و دریافتم که آن مرحوم به مسائل حوزه دیپلماسی، نگاه تک بُعدی ندارد. حقیقتاً از مدیریت شایسته و روحیه انقلابی و مجاهدانه آقای امیر عبداللہیان مَحظوظ می‌شدم. آقای امیر عبداللہیان نماد یک دیپلمات و نیروی جهادی و انقلابی بود که در پیشبرد امور و اهداف مقدس جبهه مقاومت نقش آفرینی‌های ارزنده‌ای را انجام داد و شهید حاج قاسم سلیمانی نیز نگاه و عنایت ویژه‌ای به این شهید داشتند...



مردی که در اولین روز شیفیت خادمی اش، شهید شد!







Hossein Amir-Abdollahian  
1964-2024  
Qods defender

**شهید امیر عبداللهیان عاشق جبهه  
مقاومت و فلسطین بود و به تعبیری،  
وزیر امور خارجه جبهه مقاومت بود...**



«خاطرات اسحاق آل حبیب از شهید امیرعبداللهیان»  
معمولا انسان‌ها در گذر زمان به واسطه پست‌ها از نظر اخلاقی دچار برخی بی‌توجهی‌ها نسبت به اطرافیان می‌شوند، ولی به نظر من ایشان در زمان شهادت‌شان نسبت به تابستان سال ۱۳۶۵، متواضع‌تر، اخلاقی‌تر و با اخلاص‌تر هم شده بودند. همه ویژگی‌های یک فرد مومن در آقای امیرعبداللهیان وجود داشت. بنده از نزدیک شاهد زوایای مختلف زندگی ایشان بودم. او دل‌داده و دلبسته نظام بود، از صبح تا ساعت ۱۰ شب در محل کارش نهایت تلاشش را می‌کرد. همه این مسئولیت‌ها باعث نمی‌شد نسبت به مسائل اطرافیان بی‌توجه باشد. موضوع در ایشان برعکس بود و دغدغه اطرافیان را داشت مثلاً در اوج کار می‌گفت: آل حبیب فلان نیروی خدماتی فلان مشکل را دارد، کارش را مورد توجه قرار دهید. خوش به سعادتش که لیاقت شهادت داشت و نبود ایشان برای ما و دستگاه دیپلماسی یک خسران بزرگ است...



بیش از ۴۰ درصد نیروهای وزارت امور خارجه از ایثارگران هستند. آقای امیرعبداللهیان این مسئله را یک سرمایه بزرگ برای وزارت امور خارجه می‌دانست. ما تابستان سال ۱۳۶۵ شروع به درس خواندن در دانشکده کردیم. ایشان یک لندکروز داشتند و زمان عملیات بدون اینکه کسی متوجه شود و سر و صدا کنند به جبهه می‌رفتند، در عین حال کارهای خیلی بزرگی در قسمت‌های جنوبی تهران از جمله مهرآباد جنوبی به‌ویژه در حوزه خدمات درمانی انجام دادند که هنوز هم ادامه دارد و کسی هم متوجه نشد. هر وقت آقای امیرعبداللهیان می‌خواست با آقای رئیسی تماس تلفنی یا ملاقات حضوری داشته باشد، در اولین فرصت ممکن این ارتباطات برقرار می‌شد. این علاقه‌مندی متقابل وجود داشت. همکاران از آقای امیرعبداللهیان انرژی مثبت دریافت می‌کردند. من در مراسم تشییع ایشان در شهری حضور داشتم و تاکنون چنین مشایعتی ندیده بودم..



«امیرعبداللهیان هرگز غیبت نمی کرد»

شهید امیرعبداللهیان شخصیت باسوادى بودند و در دانشگاه تهران هم تدریس می کردند. ارادت امیرعبداللهیان به شهید سلیمانی وصف ناپذیر بود. شهید سلیمانی به ایشان بسیار علاقه مند بود. آقای امیرعبداللهیان وقتی در دولت آقای رئیسی مشغول کار شدند، ارادت ویژه‌ای خدمت ایشان داشت و آقای رئیسی هم توجه و محبت ویژه‌ای به ایشان داشت. خیلی از ما در نقطه نظرات مان نسبت به دیگران دقت نمی کنیم و راحت درباره آنها صحبت می کنیم؛ ما دوستان صمیمی بودیم، ایشان در مقابل کسانی که صحبت‌های ناروا مطرح می کردند، تحت هیچ شرایطی غیب‌شان را نمی کردند. من در ۳۸ سال تماس نزدیک با آقای امیرعبداللهیان بر این موضوع شهادت می دهم. کمتر اتفاق می افتد که انسان‌ها این میزان با تقوا عمل کنند. آقای امیرعبداللهیان احترام زیادی برای همه نیروهای وزارت امور خارجه قائل بود. راوی: اسحاق ال حبیب



### «ارتباط با شهید قاسم سلیمانی»

شهید امیر عبداللہیان بہ علت دو دہہ مسئولیت در وزارت خارجہ بہ خصوص در پست عربی و آفریقایی وزارت امور خارجہ ایران ارتباط نزدیکی با قاسم سلیمانی داشت. زمانی کہ سلیمانی، فرماندہ نیروی قدس می‌شود و عبداللہیان کارشناس عراق در وزارت خارجہ ہواست. در جریان تحولات عراق در سال ۲۰۰۳ با سرنگونی صدام مسئول پروندہ عراق در وزارت خارجہ می‌شود. شهید امیر عبداللہیان در ملاقات با ہیئت‌ها و مقامات اروپایی گفتہ بود. شهید سلیمانی بعد از ہماہنگی‌های کلان برای پیگیری امور مرتبط شخصاً با وی تماس می‌گیرد. عبداللہیان بعدہا عنوان می‌کند کہ این روحیہ سلیمانی او را شیفتہ خودش کردہ است. وی معتقد است اگر سلیمانی نبود کشورہای بزرگ منطقہ تجزیہ می‌شد امیر عبداللہیان زبان گویای مردم فلسطین بود و کودکان فلسطینی یک پدر را از دست دادند..





«خاطرات سی ساله همسر شهید امیرعبدالهیان»

من ۳۰ سال با آقای امیرعبدالهیان زندگی کردم، وقتی زندگی‌مان را شروع کردیم این ویژگی شخصیتی ایشان که حواس‌شان به همه چیز بود بسیار برای من جالب بود. جزو کسانی بودند که به صلح‌رحم بسیار اهمیت می‌دادند. ما بدون استثنا باید هر هفته به فامیل سر می‌زدیم. حتی فامیل و بستگان دورتر را الزام داشتند که ماهی یک‌بار به آنها سر بزنند و یا اینکه اگر شرایطش پیش نمی‌آمد تلفنی احوال‌شان را جویا باشند. اگر کسی از بستگان یا دوستان دچار مشکل یا بیماری می‌شد حتماً به عیادت‌شان می‌رفتند و هر کاری که در توان‌شان بود برای حل آن مشکلات انجام می‌دادند. از برنامه‌های ماهیانه آقای امیرعبدالهیان این بود که مبلغی را به خیریه‌ها یا افراد نیازمند کمک کنند و دلشان هم نمی‌خواست که کسی متوجه بشود که این کمک از طرف ایشان است...





### «مثل یک مسلمان واقعی»

وزارت نه اسمش، نه رسم و مسئولیتش ذره‌ای از خانواده دوستی و مردم‌داری آقای وزیر کم نکرد. او دل‌بسته صندلی گرم و نرم وزارتخانه و پله‌های ترقی نبود. اسم و رسمش را جای دیگری جستجو می‌کرد؛ شاید در دایره محبوبان خدا بارها پیش‌آمده بود که برخی از دوستان شهید در جمع به ایشان گفته بودند که ما در شما استعداد و توانایی‌ای می‌بینیم که به مقام بالایی خواهید رسید. اما همسر هر بار که با هم صحبت می‌کردیم می‌گفتند:

من همیشه از خدا خواستم که زمانی به جایگاه و مقامی برسم که آن مقام به اندازه عطسه بز برای من بی‌ارزش باشد. دقیقاً هم همین‌طور بود. ایشان وزارتخانه را فرصتی برای حل بیشتر مشکلات مردم و خدمت به آنها می‌دانستند و هیچ‌وقت تغییر نکردند. همچنان تاکید داشتند از حال همه باخبر باشند...



# شهید حسین امیر عبدالمبین

از برنامه‌های ماهیانه اش این بود که مبلغی را به خیریه‌ها یا افراد نیازمند کمک کنند و دل‌شان هم نمی‌خواست که کسی متوجه بشود. **راوی همسر شهید**

غیر ممکن  
شده

غیر ممکن بود که در مجلسی نشسته باشند و  
کودکی وارد مجلس شود و ایشان به احترام کودک  
از جا بلند نشود.. انگار از پهلوی پیغمبر خدا رد شده  
بودند و ما داشتیم قطره‌های کوچکی از سیره  
نبوی را در وجود حسین می‌دیدم... راوی: همسر شهید

شهید حسن امیر عبدالمساکین



«مردی که در اولین روز شیفت خادمی‌اش شهید شد» هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد آن روز آقای امیرعبدالهیان به خانه برنگردد، اتفاقاً قرار بود بیاید چمدانش را جمع کند و راهی مشهدالرضا (ع) شود. آن روز قرار بود بعد از ماه‌ها انتظار زائر و خادم امام رضا علیه‌السلام شود. غیر از اهالی خانه، صحن‌های حرم هم انتظارش را می‌کشیدند. «پدر از زمانی که شهید رئیسی تولیت آستان‌قدس بودند برای خادمی حرم اقدام کردند، اما گفته بودند که اگر ما به عنوان خادم فقط در صحن‌ها بایستیم شاید بیشتر باعث ایجاد مزاحمت برای مردم باشیم. دلشان می‌خواست که میز خدمتی باشد و در زمینه تخصصی که دارند در سایه امام رضا (ع) به مردم خدمت کنند که این اتفاق هم رقم خورد و میزهای خدمت شکل گرفت. دی ماه سال گذشته بود که عنوان خادمی به پدرم تعلق گرفت، اما به دلیل مشغله‌هایی که در این ایام به‌خاطر طوفان الاقصی داشتند





در نهایت قرار بود روز میلاد امام رضا علیہ السلام طی مراسمی ملبس شوند که شهید شدند.» «کلا به ائمه (ع) علاقه زیادی داشتند حتی برای همین عشق به ائمه در روزهایی که اکثر دیپلمات‌ها تب اروپا رفتن را داشتند، عراق را برای خدمت انتخاب کردند.

باورشان این بود که به برکت ائمه، خدا به خدمتی که می‌کنند برکت می‌دهد و تاثیر گذار خواهند بود. درباره لباس خادمی‌شان هم به گفته آیت‌الله مروی انگار امام رضا علیہ السلام خودشان می‌خواست به این عاشق دلدادہ‌شان نشان خادمی بدهد!»

غیر ممکن بود که در مجلسی نشسته باشند و کودک ۴ یا ۵ ساله‌ای وارد مجلس شود و ایشان به احترام کودک از جا بلند نشود.» انگار از پهلوی پیغمبر خدا رد شده بودند و ما داشتیم قطره‌های کوچکی از سیره نبوی را در وجودشان می‌دیدم. مثل یک مسلمان واقعی!»

قسمتی از خاطرات سی ساله همسر شهید امیر عبداللہیان





شهید

امیر عبدالمہدی حسین

خدا حافظ وزیر امور خارجہ کوڈگان غزہ!

## المُدافع عن فلسطين

إن كل أرض فلسطين، من البحر إلى النهر، مملوكة فقط لأهلها الفلسطينيين الأصليين، من مسيحيين ويهود ومسلمين، ولا يحق ولا يمكن لأي كيان أو بلد تسليمها، ولا حتى أصغر جزء من هذه الأرض لفرد أو مجموعة أخرى.

الشهيد حسين امير عبد الهاديان  
وزير خارجية جهة المقاومة



«عاقبتی که برای مرد دیپلماسی و میدان رقم می‌خورد»  
امیرعبداله‌هیان در قرارداد نانوشته‌ای وزیر خارجه و صدای  
کودکان مظلومش بود. برای آقای وزیر هر تریبون  
بین‌المللی، فرصتی بود که به جهان و مردمش نهیب  
بزند و از نسل‌کشی در سرزمین زیتون برایشان بگوید.  
معمولا در خانه از مسائل کاری صحبت نمی‌کردند، اما  
من تلاش شبانه روزی‌شان را می‌دیدم. در این ایام پیش  
همی‌آمد که زودتر از ساعت ۲ بامداد بخوابند، در صورتی  
که صبح زود بیدار می‌شدند و می‌گفت: باید با هرچه  
در توان داریم تلاش کنیم که این زن و بچه‌های مظلوم  
از بین نروند. صهیونیست‌ها قدرت رویارویی با نیروهای  
مقاومت را ندارند و برای همین به زن و کودکان مظلوم  
حمله می‌کنند. من باید صدای فلسطینیان مظلوم در خارج  
از کشور باشم. مردم غزه نمی‌توانند صدایشان را به  
گوش جهان برسانند و من باید این کار را بکنم و باید در  
سازمان ملل فریاد بزنم و با وزرای خارجه صحبت کنم...



### «ماجرای جلسات خانوادگی خانه آقای وزیر»

از وقتی که بچه‌ها کمی بزرگ‌تر شدند به پیشنهاد آقای امیرعبدالهیان در خانه‌مان رسم شد که برای هر کار و هر تصمیمی نظرسنجی کنیم و نظر جمع را اجرایی کنیم. اما از ۱۰ روز قبل از شهادت‌شان هر بار که قرار بود تصمیمی بگیریم، ایشان فقط نگاه می‌کردند می‌گفتند شما سه نفری نظر بدهید و به نتیجه برسید، خیال کنید من اینجا نیستم! حالا که فکر می‌کنم انگار حرف آن روزهای شان بی دلیل نبود شاید می‌دانستند که رفتنی‌اند و مراعات دل همیشه نگران من و بچه‌ها را می‌کردند و چیزی نمی‌گفتند! بالاخره کسی که با تمام وجود برای محور مقاومت تلاش می‌کند و با وجود همه خطراتی که تهدیدش می‌کند و تمام هم و غمش محور مقاومت است، حتی اگر درباره‌ی شهادت هم صحبت نکرده باشد آدم احساس می‌کند که چنین عاقبتی در انتظارش نشسته است. راوی: همسر امیرعبدالهیان، منبع: فارس



جناب محمد باقر صدر و اسطین

نیر جلیغ سید ابراهیم زیدی

رئیس مجتهد مردمی  
بالتفایت و پرہیزگاری



جناب ڈاکٹر امجد علی  
دینار رضوی  
ہیما ہد رفعت

ہیما ہد رفعت  
ہیما ہد رفعت  
ہیما ہد رفعت



«امیرعبدالهیان، مردانه پای حرفش می‌ایستاد»

برخورد امیرعبدالهیان با افراد طوری بود که گویا همه را مدت‌هاست می‌شناسد و با احوالپرسی گرم، گرمای دل همه بودند. امروز همه کارکنان وزارت خارجه حتی آنها که ارتباط مستقیم با وی نداشتند مثل بچه پدر از دست داده برای شهید گریه می‌کنند. اموراتی را داخل وزارت خانه انجام داد و به کارهای نصفه نیمه ای در همین مدت سه سال سر و سامان داد که تا قبل از وی انجام نشدنی به نظر می‌آمد. اصولاً کسی حوصله دردرس اضافی و انجام برخی کارها که شامل نفع شخصی نیست ندارد، ولی شهید با حوصله و جسارت پرونده های سخت را باز می‌کرد و به اتمام می‌رساند. همه می‌دانستند اگر وزیر قولی می‌دهد یعنی تمام و مردانه پای حرفش می‌ایستاد تا کار را به انجام برساند. بار سنگینی از مسئولیت روی دوشش بود و در غربت تمام و بدون کوچکترین شکایت مسئولیت‌ها را انجام می‌داد....



هرگاه کسی یا گروهی به ناحق وی را مورد حمله قرار می داد و دوستانی می خواستند از شهید دفاع کنند، آقای امیرعبداللهیان اجازه نمی داد و همین دو کلمه را می گفت: اعتنا نکنید. با یک یا چند مصاحبه نمی توان حق امیرعبداللهیان را ادا کرد. در شبانه روز بیشتر از ۴ ساعت فرصت خوابیدن نداشت ولی چهرش همیشه بشاش و سرحال بود. بعد از مطرح شدن دوگانه میدان و دیپلماسی، همه در تئوری سعی می کردند نحوه هماهنگی این دو را ترسیم کنند، ولی شهید در عمل این هماهنگی را ایجاد کرد و نشان داد می توان هم دیپلمات بود هم انقلابی، می توان در اوج تشریفات ساده زیست و متواضع بود. می توان از دنیا دل کند و برای آخرت تلاش کرد. ما هرچه در چهره و زندگی حاج قاسم دیدیم در ایشان هم وجود داشت. یکبار به ایشان گفتم: شما حاج قاسم عرصه دیپلماسی هستید، حاج قاسم یک پورجعفری داشت که شما هم به آن نیاز

امام خامنه ای

شرح خدمات و تلاش های آقای رئیسی و آقای امیر عبداللہیان  
در جبهه داخلی و در جبهه خارجی یک داستان طولانی و مفصل است.











دارید. با چشم های اشکی گفتند: فقط دعا کنید عاقبتم مثل حاج قاسم بشود. آقای امیرعبداللهیان انس زیادی با شهدا داشت و هر دفعه که به بیروت میرفت محال بود از روضه الشهدین و سایر مزار شهدا دیدار نکند. حتی خانواده های شهدای لبنانی انس زیادی با وی داشتند و الان در فراق شهید ناله و گریه می کنند. امیرعبداللهیان عزت ایران و پناه مقاومت بود و فقدانش برای ما خسارت بزرگی است که هیچگاه جبران نخواهد شد. در چندماه اخیر نه فقط پناه و عزت ایرانی ها، بلکه پناه کودکان غزه بود. برای برقراری صلح تلاش بسیار می کرد و قلبش برای کودکان غزه در عذاب بود. سفرهایی که بعد از طوفان الاقصی به منطقه داشت همه در ناامنی کامل بود و دائم بیم شهادتش را داشتیم، ولی خودش بدون کوچکترین نگرانی و خستگی به تلاش هایش ادامه داد..

زهرارکن آبادی فرزند شهید رکن آبادی \_ منبع: ایرنا



«راویبتی ازمدیر و موسس مرکز اسلامی آفریقای جنوبی»  
 در ارتباط با مناظرات شهید رئیسی، در خصوص مسائل  
 بین‌المللی از شخصیت‌های موثر و آگاه در مسائل بین‌الملل  
 نظرخواهی می‌کردم. یکی از این شخصیت‌ها دکتر حسین  
 امیرعبداللهیان بود که تقریباً سه ساعت تمام مسائل  
 بین‌المللی را برای من بازگو کرد و راه‌حل‌ها را یکی یکی  
 ارائه داد. از آنجا که برخی از نظریات ایشان به گوشه  
 قباب بعضی از رجال دیپلماتیک برمی‌خورد، از من خواست  
 بصورت محرمانه در اختیار ایشان گذاشته شود  
 متن نظریات ایشان را نکته به نکته پیاده کردم و با مهر  
 محرمانه در اختیار جناب رئیسی قرار دادم. چند روز  
 بعد، سیدابراهیم رئیسی مناظره داشت. دیدم تقریباً اکثر  
 دیدگاه‌های امیرعبداللهیان را مطرح کرد و بسیار خوش  
 درخشید. انگار بر تمام مسائل خارج از کشور اشراف دارد  
 بعداً به من گفت: سلام مرا به ایشان برسانید و بگوئید  
 مطالب‌تان بسیار کارگشا بود.



من از فرصت استفاده کردم و به ایشان گفتم: امیر، وزیر خارجه خوبی می‌شود. گفتند اسم ایشان در میان ۳ نفر کاندیدا هست. اسامی زیادی برای وزارت خارجه بر سر زبان‌ها بود و من بخاطر احساس مسئولیت نامه بلند بالایی به سید محرومان نوشتم و با ذکر ۶ دلیل به عنوان یکی از اعضاء کمیته بین‌الملل ستاد، در مورد صلاحیت دکتر حسین امیرعبداللہیان برای وزارت خارجه مطالبی را به عرض ایشان رساندم. نامه را از دو طریق بدست ایشان رساندم. یکی از طریق آقای دکتر اسماعیلی که قرار بود وزیر ارشاد بشود و دیگری از طریق آقای دکتر غلامحسین اسماعیلی که بعداً شدند رئیس دفتر ایشان. مطالب را بعد از ارسال برای سید و بعد از اینکه اطمینان حاصل کردم که به دست سید رسیده است، برای دکتر فرستادم. بلافاصله بعد از مطالعه پیام، زنگ زدند و گفتند: آقای حسینی از شما انتظار نداشتیم. اگر با من مشورت می‌کردید، من ۱۶ دلیل به شما ارائه می‌کردم که



بنده صلاحیت وزارت خارجه را ندارم. آخرش گفتند از شما خواهش می‌کنم دعا کنید که این مسئولیت به دوش من نیفتد. ولی افتاد و چقدر بجا بود. تنها وزیری که رئیسی می‌توانست با آن بیشتر به خود ببالد، امیر عبداللہیان بود که پارسال ایشان و مجموعه وزارت خارجه به عنوان بهترین دستگاه دولتی شناخته شدند و جایزه سالانه را از آن خود کردند. بعد از اینکه از مجلس رأی اعتماد گرفت در پیامی به ایشان نوشتم: «میدانم به شما تبریک بگویم یا تسلیت. تبریک بخاطر اینکه وزیر شدی و تسلیت هم به دو دلیل: اول اینکه بار بزرگی بر دوشت گذاشته شد و از این به بعد دیگر تا چهار سال باید شبانه‌روز فعال باشی و دستگاه دیپلماسی را مدیریت کنی. به شوخی گفتم دم برای خانواده‌ات می‌سوزه که دیگه کمتر می‌بیننت. دوم اینکه تو با وزیر شدن در حقیقت بجای ارتقاء مقام، تنزل مقام پیدا کردی. تو قبلا امیر بودی و الان وزیر شدی... سیدعبدالله حسینی مدیر مرکز اسلامی آفریقای جنوبی»





«امیر عبداللهیان از زبان خاله اش»

سر زده و بی‌خبر آمده بود امیریه (دامغان) تا به من سر بزند. از میان خواهر و برادرانم فقط من مانده‌ام، حسین آقا آمده بود تا به خاله پیرش سر بزند. هر چقدر اصرار کردم که پسرم بیا روی مبل بنشین، نشست. انگار می‌دانست آخرین دیدار است که کنار من جلوی در نشست، می‌گفت: مادر جان می‌خواهم کنار خودت بشینم، شما بوی مادرم را می‌دهی...

بغلش کردم و به یاد قدیم پیشانی‌اش را بوسیدم، پسر با محبتی که همیشه به یاد من بود و یادگاری سید مطهره، خواهرم. وقتی زنگ می‌زد از بچه‌هایم تا نوه‌ها و نتیجه‌هایم احوالپرسی می‌کرد و تک تک نام می‌برد و تا خیالش راحت نمی‌شد که بچه‌ها گیر و گرفتاری ندارند، تلفن را قطع نمی‌کرد. از عید نوروز تا عید غدیر به من زنگ می‌زد و اگر می‌توانست حضوری می‌آمد چون سید هستم و او برای دستبوسی می‌آمد...





محرم‌ها مادر شهید امیر عبداللہیان مراسم مفصلی می‌گرفت و میزبانی، مهمانان اباعیدالله (ع) را عہدہ‌دار می‌شد، این خانوادہ از کودکی حب حسین در دل شان ریشہ دواندہ بود و ہرکدام از خواہر و برادرہای حسین آقا برای مراسم کاری می‌کردند برادر بزرگ حسین آقا کہ اکنون بہ رحمت خدا رفتہ است، تعزیرہ می‌خواند. «در خانہ خواہرم بہ مناسبت‌ہای مختلف برای مهمانان باز بود. سید مطہرہ خیلی مهماندار بودند، با اینکہ حسین در ۹ سالگی پدرش را از دست داد و بہ سختی امورات می‌گذرانند اما خیلی مهمان‌دوست بودند.

برای حسین و برادر و خواہرش از دست دادن پدر خیلی سخت بود، اما جیکشان در نمی‌آید. حسین چون بچہ آخر خانوادہ بود، خوب یادم است کہ چقدر سخت کار می‌کرد، روزها کار می‌کرد و شب‌ہا درس می‌خواند. ہر وقت خانہ‌شان می‌رفتیم در حال درس خواندن بود.



حسین از همان نوجوانی یک پیراهن آبی یقه دیپلماتی داشت، دقیقا مثل لباس‌هایی که حالا می‌پوشید. این پیراهن آبی را حسین سالیان سال داشت و می‌پوشید. یکبار به او گفتم: حسین جان الان ۱۵,۱۶ سال هست که این پیراهن را داری و تنت می‌کنی، چرا دور نمی‌اندازی اش دیگر کهنه شده است؟ حسین چیزی گفت که جگرم را آتش زد، او گفت: من با این لباس خاطره روزهای سختی و تلاش را به یاد می‌آورم، باید این تنم باشد تا یادم بماند چه چیزها کشیدم و از کجا به کجا رسیدم. حسین خیلی خاکی و ساده بود. از بچگی آنقدر مظلوم و مودب بود و هرکسی هرچیزی به او می‌گفت گوش می‌داد. یکبار به شوخی پدرش به او گفت: برو تو دیگ بشین! و حسین گفت چشم و رفت! ما خنده‌مان گرفت اما الان می‌بینیم این شخصیت والا و خوب شهید از کودکی اش نشئت گرفته. شخصیتش بعد از بزرگسالی هم تغییر نکرد. بزرگ هم که شده بود و خیلی مودب بود و بیشتر از همه به مادرش



خیلی احترام می‌گذاشت. اخیرا که امیر عبداللهیان به دامغان رفته بود تا به خاله اش سر بزند، همسایه متوجه حضور او شده بود و برای یک مطالبه به سراغ شهید امیر عبداللهیان رفت. این همسایه دو پسر داشت که بیکار بودند، وقتی حسین را دید از او خواست که دست پسرانش را که نان آور خانه بودند را به کاری بند کند. حسین به همسایه‌ام گفت من سعی‌ام را می‌کنم و درباره رشته تحصیلی‌شان و سابقه‌شان پرسید و رفت. همین یک ماه پیش کار آن دو جوان درست شد و مادرشان دل شاد شد. حسین هرچه در توانش بود برای مردم انجام می‌داد. حالا که شهید شده است، همسایه‌ام می‌گوید: کاش من نیامده بودم و او را هیچ وقت ندیده بودم چون حالا آنقدر داغدار نبودم. حسین خیلی ساده و خاکی بود. وقتی او را در قاب تلوزیون می‌دیدیم خیلی افتخار می‌کردم و می‌گفتم او پسرِ خواهرم است... شهادت برای مردان بزرگ است و حسین هم در پی شهادت بود... منبع: خبرگزاری فارس



# شهید حسین امیر عبداللین

حسین می گفت: من همیشه از خدا خواستم که زمانی  
به مقامی برسم که آن مقام به اندازه عطسه بز، برای من  
بی ارزش باشد. دقیقا هم همین طور بود... **راوی همسر شهید**



غرضت  
شیراز

قرار بود حسین برگردد و روز میلاد امام رضا (ع) برای شروع خادمی اش به مشهد برود. خواست خدا این بود که در اولین روز شیفت خادمی اش، حسین شهید شود!

شهید حسین عبدالمسیح





«مثل هوادار مشکلات پرسپولیس را حل کرد»

چند بار خدمت برای مشکلاتی به خاطر تحریم‌ها داشتیم، خدمت شان رسیدیم و حتی برای برون رفت از این وضعیت به ما راهکار می‌دادند. با آغوش باز ما را می‌پذیرفتند و مشکلاتی که برای مربیان و بازیکنان وجود داشت را شهید امیر عبداللهیان مانند یک هوادار، مشکلات پرسپولیس را حل می‌کرد.

شهید مالک احمدی هم ادامه کار آقای حسین قربان‌زاده را در سازمان خصوصی‌سازی انجام دادند و در جلسه دوم برخوردشان طوری بود که انگار عضو ششم هیئت مدیره است. خصوصی‌سازی استقلال و پرسپولیس با دولت سیزدهم به نتیجه رسید و دل‌نگرانی‌های ۴۰، ۵۰ میلیون هوادار دو تیم برطرف شد.

پیش از این همه وعده می‌دادند اما در دولت سید ابراهیم رئیسی، خصوصی‌سازی محقق شد...

روایتی از درویش، مدیرعامل پرسپولیس



«اولین وزیر امور خارجه شهید، جمهوری اسلامی ایران» در خرداد ۱۳۹۵ امیرعبداللهیان توسط ظریف وزیر امورخارجه از معاونت عربی و آفریقایی برکنار و حسین جابر انصاری جایگزین وی شد. بعد از این اتفاق پیشنهاد سفارت عمان به وی داده شد اما امیرعبداللهیان در اعتراض به عزل خود این مسئولیت را نپذیرفت و حتی از وزارت امور خارجه هم خارج شد. بیانیه بسیج دانشجویی دانشگاه تهران این پرسش را مطرح می کند که چرا این برکناری درست سه روز بعد از ملاقات ظریف با جان کری در نروژ اعلام شد. عبداللهیان در ۲۰ مرداد ۱۴۰۰ به عنوان وزیر امور خارجه پیشنهادی دولت سیزدهم توسط سید ابراهیم رئیسی به مجلس شورای اسلامی معرفی شد و در ۳ شهریور ۱۴۰۰ با کسب ۲۷۰ رأی موافق در برابر تنها ۶ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفت و رسماً به عنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران معرفی شد..



دکتر حسین امیر عبدالرشید

صدایِ ظلمیت





IRAN (ISLAMIC REPUBLIC)

وزیر خارجہ مجاہد وفتال

کودکان فلسطینی



«یادی از شهید سردار قاسم سلیمانی»

«... ملاقات حدود ۵۰ دقیقه‌ای ما که تمام شد، بلافاصله سردار همراه من بیرون آمد. همان موقع شهید پورجعفری گفت سردار در حال عزیمت به خط مقدم است. این هم از ویژگی‌های سردار بود که مثل بعضی از ژنرال‌ها در داخل قرارگاه و مقر، خودش را حبس نمی‌کرد و در خط مقدم بود. در این فضا و محیط نظامی که هدایت عملیات برای بازپس‌گیری منطقه مهمی از ریف دمشق - اطراف دمشق - توسط سردار سلیمانی و آن تیم دنبال می‌شد و طبعاً سردار سلیمانی قلب این مرکز فرماندهی و اتاق عملیات بود، ایشان چه رفتاری با من داشت؟ داستان ساده اما عجیبی رخ داد، فصل تابستان بود و در مقابل سردار سلیمانی یک ظرف میوه قرار داشت. میوه‌های منطقه شامات کیفیت و معروفیت خاصی دارد. خداوند در این منطقه برکات خاصی قرار داده است. من دیدم در ظرف میوه، انجیر هم هست.»





من روستای زاده، انجیر را خیلی دوست دارم. همین طور که با سردار سلیمانی صحبت می‌کردم، چهار، پنج تا انجیر را پشت سر هم خوردم. لابه لای صحبت، سردار سلیمانی آقای سردار پورجعفری را صدا کرد و گفت باز هم انجیر داریم؟ چون ممکن بود افراد در آن اتاق فرماندهی یک هفته یا یک ماه بمانند، انباری داشتند که آذوقه و مایحتاج همین اتاق عملیات مشترک در آن نگهداری می‌شد. آقای پورجعفری گفت الان نگاه می‌کنم. ایشان رفت و بعد از دقایقی یکی از افرادی که آنجا بود، یک ظرف انجیر آورد. من نگاهی به ظرف قبلی میوه کردم و دیدم دو تا انجیر بیشتر مانده و من همین طور که حواسم نبوده همه را خورده‌ام. به سردار سلیمانی گفتم مثل اینکه من همه را خوردم، هیچ چیز برای شما نماند. با لبخندی گفت نه من انجیر نمی‌خورم، دیدم انجیر دوست داری گفتم برائت بیشتر بیاورند، بخور نوش جان و اصرار کرد باز هم انجیر بخورم



ملاقات ما تمام شد و من را به سمت فرودگاه آوردند. داخل هواپیما به مقصد تهران، خانم سرمهماندار پرواز که گویا سردار سلیمانی را چندان می‌شناخت اما با چهره نسبتاً رسانه‌ای من آشنا بود، آمد و گفت: کسی به نام سلیمانی یک جعبه بزرگ انجیر برای شما فرستاده، جعبه را داخل کابین پرواز آورده‌اند، من این را چه کار کنم؟ از این رفتار کریمانه و ظرافت روحی سردار متعجب شدم. البته با نگاه به سوابق رفتاری ایشان نباید تعجب کرد. اینکه سردار سلیمانی در شرایطی که استرس در اوج خود بر فضا حاکم بود، می‌توانست به جزئیات توجه کند، بسیار جالب بود. این داستان ساده از بزرگی روح این سردار عزیز حکایت می‌کند. سرداری که از رویش‌های بزرگ انقلاب امام خمینی (ره) بود. من به خانم سرمهماندار گفتم آیا می‌توانم خواهش کنم انجیرها را در دیس بگذارید و بین همه مسافران توزیع کنید؟ مسافران، همه مدافعین حرم و تعدادی مجروح



بودند و بقیه هم در پایان مأموریت‌شان به ایران باز می‌گشتند یا مرخصی داشتند. مهماندارها دیسپلین خاص خودشان را دارند. خانم مهماندار گفت به لحاظ پروتکلی کار سختی است ولی اگر مقدر شد این کار را انجام می‌دهیم که لطف کردند و انجام دادند. در همه جای دنیا یک ژنرال نظامی، در اتاق فرمان و وسط معرکه جنگ، توجه چندانی به ظرایف اخلاقی ندارد. این کار نشان دهنده روح بزرگ سردار سلیمانی است که در سخت‌ترین شرایط چنین رفتاری از ایشان دیده می‌شود. رفتاری که در نهایت لطافت و سعه صدر و اخلاق محمدی (ص) بروز پیدا می‌کند. با آنکه اختلاف سطح سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده نیروی قدس با من زیاد بود، اما ارتباط ما ادامه پیدا کرد و گاهی سردار درباره بعضی کارها شخصاً زنگ می‌زد. از ویژگی‌های سردار سلیمانی این بود که با وجود سلسله مراتب و امکان ارجاع کارها به دیگران، یک سری کارهای مهم ر



خودشان دنبال می‌کردند. شاید ظاهر بعضی کارها ساده و کوچک بود، مثلاً گاهی به مجوز پرواز برای کشوری نیاز می‌شد. گرفتن و دادن مجوز پرواز در وزارت امور خارجه روالی دارد که معمولاً ۲۴ ساعت قبل باید هماهنگی‌های لازم انجام شود. آن زمان بخش حقوقی وزارت خارجه یک کارشناس پرواز داشت که این کارها را انجام می‌داد. رفرنسی صادر خواهد شد که مجوز پرواز نامیده می‌شود. شاید پیگیری مجوز پرواز توسط سردار سلیمانی کار سطح پایینی بود ولی ایشان آنقدر برای انجام مأموریت دقت داشت که همه چیز را شخصاً چک می‌کرد. اگر به این نتیجه می‌رسید که مجوز پرواز آماده نشده اصلاً مقید نبود که مثلاً به وزیر امور خارجه زنگ بزند و گلایه بکند که سیستم شما مجوز پرواز را صادر نکرده است، مستقیم با من تماس می‌گرفت و می‌گفت فلانی مجوز پرواز ما را ندادند، یک ساعت دیگر این پرواز باید انجام بشود.



یعنی تا این سطح در پیگیری‌ها جدی بود. اینگونه ارتباطات به جایی رسید که یکی دو بار سردار سلیمانی برای پیگیری بعضی موضوعات، بعد از جلسه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بدون هماهنگی قبلی برای دیدن من به وزارت خارجه آمد و یگان حفاظت فیزیکی وزارت خارجه اطلاع داد سردار سلیمانی آمده و می‌خواهد شما را ببیند. علی‌القاعده آقای سلیمانی اگر به وزارت خارجه می‌آمد باید وزیر خارجه را می‌دید. بعد از دیدار به ایشان می‌گفتم سردار، ممکن است وزیر امور خارجه، دلخور بشود که شما به اتاق کار من آمده‌اید، خوب است ایشان را هم ببینید. از آنجا که انسان متواضعی بود، می‌گفت اشکال ندارد، حتماً می‌روم ایشان را هم می‌بینم. می‌رفت اتاق وزیر احوال‌پرسی می‌کرد و یک چای هم با ایشان می‌نوشید و ایشان را مطلع می‌کرد.»

راویتی از کتاب «صبح شام» تألیف شهید حسین امیرعبداللّه‌یان



# شهید دکتر حسین امیر عبداللہیان

نخستین وزیر امور خارجہ شہید، جمہوری اسلامی ایران



شهید دکتر حسین امیر عبداللہیان  
وزیر خارجہ مجاہد و فعال

روح اللہ  
حضرت آیت اللہ خامنہ ای  
۱۴۰۳/۰۲/۲۱